

زیر آسمان جهان

زنان مهاجر، کرونا و تبعیض

کرونا در گوشه‌وکنار جهان باعث تغییرات فراوانی شده است، در این بین مهاجران و پناهندگان در اردوگاه‌های مختلف در معرض آسیب بیشتری هستند. برای جلوگیری از گسترش کرونا، ۲۴ نفر از پناهندگان حاضر در اردوگاه‌های روهینگیا داوطلب شده‌اند تا هم آگاهی دیگران را افزایش دهند و هم برای جلوگیری از گسترش آن اقداماتی انجام شود. طبق گزارش کمیساریای عالی پناهندگان، از تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۹۸ تا تئوین گزارش، ۸۵۹ هزار و ۱۶۱پناهنده روهینگیا از میانمار در بنگلادش وجود داشته‌اند و اکثر آنها زن هستند. از حدود یک ماه پیش در این اردوگاه ۶۲۱ مورد مرگ‌ومیر رخ داده که ۳۴ مورد آنها به سبب کرونا تایید شده است.

میناخاتون، ۴۵ ساله، یک زن روهینگاییی داوطلب است و معتقد است که برای پیشگیری از این بیماری، ما باید آگاهی بیشتری نسبت به پاکیزگی شخصی، شستن دست و کارهایی که باید انجام دهیم، به دست بیاوریم. او هر روز با زنان سراسر اردوگاه با رعایت فواصل گفت‌گو می‌کند و اطلاعات مهم پیشگیری را ارائه می‌دهد.

او نگران تأثیر کووید-۱۹ بر خانواده‌هایی است که زنان سرپرست آنها هستند، زیرا هنجارهای اجتماعی درباره نقش سنتی زنان به‌عنوان مراقبان اصلی وجود دارد. او می‌گوید: «این واقعیتی است که اگر مادر تحت‌تأثیر قرار گیرد، همه فرزندانش آسیب‌پذیر می‌شوند».

اگرچه میزان مرگ‌ومیر کووید-۱۹ در بین زنان پایین‌تر از مردان است و به نظر می‌رسد کودکان کمتر مستعد هستند، اما آخرین یافته‌های تفکیک‌شده سن و جنس نشان می‌دهد در برخی از کشورها، عفونت‌های این بیماری در بین کارمندان بهداشت زن دوبرابر است. جمعیت پناهندگان همچنین با چالش‌های دیگری روبه‌رو هستند؛ مانند: سطح پایین تغذیه که باعث کاهش توانایی سیستم ایمنی در مبارزه با بیماری و دسترسی کمتر به بهداشت و مراقبت‌های پزشکی می‌شود.

مینبا توضیح می‌دهد: «ما از اینکه هیچ چیز نداریم می‌ترسیم، ما در یک منطقه بسیار پرزدحام زندگی می‌کنیم. اگر دسترسی محدود به معالجه پزشکی وجود داشته باشد و ویروس به اینجا بیاید، همه ما خواهیم مرد. بنابراین، ما به مواد بهداشتی کافی نیاز داریم؛ مانند صابون و ماسک به همراه پزشکان و پرستاران».

هنجارهای اجتماعی و نقش‌های جنسیتی در جوامع روهینگیا، دسترسی زنان و دختران به اطلاعات را محدود کرده است، در نتیجه آنها را در برابر ویروس آسیب‌پذیرتر می‌کند، به‌ویژه با توجه به نقش آنها در مراقبت از کودکان، بزرگان و اعضای خانواده بیمار.

افزایش خشونت خانگی و سایر اشکال خشونت علیه زنان در نتیجه تنش‌های اجتماعی و وحشت در اردوگاه‌ها یکی دیگر از نگرانی‌های مهم این زنان است. برآوردهای جهانی نشان می‌دهد در شرایط بحران، بیش از ۷۰ درصد از زنان خشونت ناشی از تفاوت جنسیتی را تجربه می‌کنند. گزارشی که اخیرا سازمان ملل منتشر کرده است، از افزایش خشونت با زنان و دختران تا ۳۰ درصد حکایت دارد. برای مقابله با خطرات و موانع جنسیتی زنان و دختران، رهبران زنان روهینگیا به صورت خودجوش به تشکیل شبکه‌ها و افزایش آگاهی اقدام کرده‌اند.

نوروسفا، زن ۲۵ ساله روهینگاییی داوطلب در اردوگاه توضیح می‌دهد: «این بیماری همه‌گیر، زندگی در اردوگاه‌ها را سخت کرده است. قیمت مواد غذایی افزایش یافته است و به دلیل محدودیت‌هایی که در حمل‌ونقل و جابه‌جایی وجود دارد، سهم همه کاهش یافته و زنان با مشکلات بیشتری برای جمع‌آوری بیشتر آب و تمیزکردن و شست‌وشوی بیشتر روبه‌رو هستند». حالا زنانی که داوطلب شده‌اند به آموزش‌هایی از جمله شست‌وشوی دست، بهداشت تنفس و مسافت اجتماعی می‌پردازند. همچنین برای کاهش خطر افزایش خشونت خانگی و سوءاستفاده، زنان و دختران را به هم متصل می‌کنند و به گسترش فضاهای دوستانه زنان که در اردوها توسط سازمان ملل جمع شده‌اند، می‌پردازند.

نوروسفا می‌گوید از نقش جدید خود لذت می‌برد؛ «من به‌عنوان یک داوطلب فرصتی برای شرکت در جلسات و آموزش‌هایی می‌توانم داشته باشم تا بتوانم دانش و مهارت‌های خود را غنی کنم و به محافظت از جامعه خود در برابر بیماری کمک می‌کنم. این همکاری سبب شده خانواده و جامعه‌ی من احترام بگذارند».

فراتر از حمایت و آموزش این زنان سرپرست، سازمان ملل متحد شش افسر را مسئول کرده که مشکلات جنسیتی را دریابند تا صدای زنان و دختران روهینگیا شنیده شود.

مانی الیزابت چاکما، افسر جنسیتی زنان سازمان ملل است که در اردوگاه کار می‌کند و می‌گوید کرونا باعث محدودشدن حرکت در اردوگاه‌ها شده و انجام وزیرت منظم در این زمینه سخت‌تر است، داوطلبان پیش من می‌آیند. در پایان روز، من احساس افتخار می‌کنم که داوطلبانم این پیام‌ها را با موفقیت به بسیاری از پناهندگان روهینگیا رسانده‌اند.

از اوایل ماه اسفند، تعداد بانوان داوطلب طی یک هفته به ۲،۸۶۳ رسیده است.

کار بشردوستانه زنان سازمان ملل با پناهندگان روهینگیا در بنگلادش، سخاوتمندانه توسط دولت‌های ژاپن، کانادا، سوئد، آلمان و استرالیا پشتیبانی می‌شود.

روزنامه شتر

سه‌شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۹ • ۲۷ شعبان ۱۴۴۱ • ۲۱ آوریل ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۷۰۰ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳ • اذان مغرب ۲۰:۰۲ • اذان صبح فردا ۴:۵۲ • طلوع آفتاب ۶:۲۲

روزنفرها

نور نوشت

عکس: سهند تانکی



نقد هفته

عدالت وپروسی

امیر عربی - دستیار چشم‌پزشکی

چندی است با نظرآتسی درباره رفتار عادلانه و غیربطقاتی ویروس کرونا مواجه می‌شویم. تاجایی‌که بعضی با لحن ظفرمندانه‌ای از این سخن می‌گویند که ویروس چینی‌ها فاصله‌های طبقاتی در جوامع غربی را درنور دیده و نه به فقیر رحم می‌کند نه غنی. درحالی‌که ۲۰ سال از آغاز قرن بیست‌ویکم گذشته است، گوئی کار انسان مدرن به جایی رسیده که از فرط ناامیدی از هم‌نوعانش، برای ششیدن طعم شیرین عدالت باید دست‌به‌دامان یک ویروس بشود؛ اما آیا واقعا کرونا یک ویروس غیر طبقاتی است؟ در نگاه اول پاسخ منفی است. طبیعتا رعایت اصول بهداشتی، تهیه مایحتاج مرتبط با سلامت و اتخاذ اقدامات پیشگیرانه برای قشرهای بالادستی یک جامعه طبقاتی راحت‌تر است. بر همین اساس شاید این قشر در معرض خطر کمتری برای ابتلا به یک بیماری همه‌گیر باشند. برای کسی که دغدغه نان برای سیرکردن شکم خانواده را ندارد، دغدغه پرداخت فلان قسط و فلان بدهی به فلان بانک و فلان طلبکار را ندارد و دغدغه دودشدن سرمایه لِرزان حاصل از یک عمر زندگی کارمندانش را ندارد، بسیار راحت‌تر است در خانه بماند و منتظر باشد تا شرایط به حالت عادی برگردد. گزینه‌های دیگری هم برای این افراد وجود دارد، مثل عبور از قرنطینه شهرها، بر جست‌وجوی امن‌ترین ویلا و باغ، شاید خنده‌دارترین قرنطینه ایام کرونا، خودقرنطینگی فوتبالیست معروف اروپایی بود که برای اطمینان بیشتر از مبتلانشدن، جزیره شخصی‌اش را برای زندگی در ایام کرونا انتخاب کرد؛ یک جزیره برای یک خانواده. موارد مشابه با شدت کمتر در اطراف خودمان هم بود. آنجا که مرفه‌تراها و آنهایی که آقای خود بودند، بار سفر بسته و قصد ویلاهایشان را کردند و شهرهای کرونازده را به کارمندان و کارگران سپردند و باز هم در همین اطراف و از همین قشر، بودند انسان‌هایی که پس از یک عمر نان در خون مردم زدن و خوردن، با احتکار دیگری در دست دولت است، یا از آن سخت‌تر، برای قشری که نان از کف خیابان جمع می‌کند، شاید نتیجه یک قرنطینه طولانی تلخ‌تر از نتیجه ابتلا به کرونا باشد. تا زمانی که به فکر نان شب این گروه نباشیم، آنها را نمی‌توان از کرونا ترساند. منطقا این قشر خود را بیشتر در معرض ابتلا قرار می‌دهند و از طرفی بیشترین سهم را در چرخه انتقال کرونا در سطح جامعه دارند. با وجود این حقایق، برای گروهی که دیک اقتصاد برایش نمی‌چونش، صرف شنیدن این خبر که کرونا برای ورود به بدن انسان‌ها به اموال و دارایی‌هایشان نگاه نمی‌کند، حس عدالت و برابری به ارمغان می‌آورد.

ممدآقا، سلمانی محل، روز عید را هم تعطیل نکرد، ولی کو مشتری؛ سر برج است و باید اجاره بدهد. پس‌انداز ناچیزش هم در این دو ماه کرونایی، ته کشیده. حالا خوشحال است که مغازه‌اش در خیابان اصلی نیست که مأموران ببینند و پلمب کنند. این روزها، هیچ آرایشگاهی حق ندارد فعالیت کند، اما خرجی زن و فرزند را از کجا باید تأمین کرد؟ کتاب‌فروش محل هم بعد از کلی مقاومت، دیگر نتوانست در این میدان تاب بیاورد و مجبور شد مغازه‌اش را برای کافی‌شاپ‌شدن خالی کند. هنوز آماری از آسیب کرونا به کسب‌وکارهای کوچک داده نشده، اما همه ما هر روز صورت‌های شرمند سرخ‌شده یا سیلی را در گوشه‌وکنار شهر می‌بینیم؛ مردانی که روی خانه رفتن با دست خالی را ندارند. معلوم نیست این مصیبت کی تمام خواهد شد، ولی مشکلات معیشتی خانواده‌ها انباشته شده و درد تهدیدستی را تحمیل کرده است. دولت در شرایطی نیست که بتواند کمک‌خرج مردم آسیب‌دیده باشد؛ همین که با تحریم‌های کمرشکن، قامت راست نگاه داشته، به خود می‌بالد. در همین شرایط ناگوار، برخی کارتل‌های اقتصادی هم شواف فقیرنوازی دادند و از آن سو واردات انحصاری و سود آنچنانی از جیب دولت - بخوانید ملت - کردند. آنها از تجارت ماسک و الکل و داروی ویژه کرونا و کیت تشخیص، سوهای میلیاردی بردند.

در جامعه ما به برکت اقتصاد سرگردان میان سرمایه‌داری و سوسیالیستی، افرادی توانسته‌اند ثروت‌های خوبی ببندوزند. در همین شرایط تحریم ظالمانه آمریکا که فشار بر گرده اقشار ضعیف سنگینی می‌کند، توانگرانی هم داریم که هربار کرکره حجره‌شان را بالا و پایین کرده‌اند، روثشان دوبرابر شده. آمارهای اقتصاددانان، نشان از شکاف فزاینده طبقاتی دارد، این شکاف با بلیه کرونا و رکود شدید روز دست‌گیری از هم‌نوعان بیشتر و عمیق‌تر شده است. در چنین شرایطی، دولت‌ها با اخذ مالیات از توانگران، توازن نسبی برقرار می‌کنند، اما شوربخانه در کشور ما، مالیات را من کارمند باید قبل از دریافت حقوق بدهم و بخش بزرگی از ثروتمندان از پرداخت مالیات طفره می‌روند.

شیوع کرونا، مشکلات معیشتی بسیاری بر اقشار ضعیف و متوسط وارد کرد؛ حتی تاکنون غالب افرادی که به دلیل بیماری کرونا جان خود را از دست داده‌اند، از همین اقشار بوده‌اند. البته توانگران هم گاهی شوخی‌شوخی کرونا می‌گیرند، اما این فقیربیچاره‌ها هستند که جدی جدی می‌میرند.

صاف و ساده

توانگران، تکانی به خود بدهند!

درهر حال، ضرورت دارد توانگران با نوع‌دوستی به کاهش مشکلات تهیدستان و آسیب‌دیدگان کمک کنند. البته باید چنین فضایی برای کمک‌رسانی ایجاد شود.

چند روز دیگر ماه رمضان می‌آید. این ماه عزیز، فرصت خوبی است که از فضای معنوی ایجادشده، برای دست‌گیری از آسیب‌دیدگان؛ محدودیت‌های کرونایی بهره بگیریم. باید سازوکاری فراهم شود که توانگران انگیزه پیدا کنند و از طرف دیگر مطمئن باشند که کمک‌ها به درستی به دست نیازمندان مورد هدف می‌رسد. در دنیا افراد مشهور مثل خواننده‌ها، سوبراستارهای سینما و تلویزیون، مصلحان اجتماعی، سیاستمداران محبوب، فیلسوفان و نظایر آنها کمپین‌هایی برپا می‌کنند و مبالغ قابل‌توجهی گردآوری می‌کنند. در ایران به شکل موردی یا مقطعی و برای کمک به اقشار خاص، چنین کارهایی شده و می‌شود، ولی در سطح ملی و رقم‌های درشت، لازم است به انجام برسد. چند روز پیش، یک کهنه‌سرباز سالمند انگلیسی، توانست به تنهایی ۱۸ میلیون دلار کمک برای نظام بهداشتی کشورش جمع کند. چهره‌های شناخته‌شده و سلبریتی‌های مردمی ترکیه، کمپین «اجاره‌تان با من» را در فضای مجازی راه‌اندازی و برای پرداخت اجاره‌خانه به خانواده‌های نیازمند، پول خوبی جمع کردند.

سلبریتی‌های کره جنوبی، از جمله «لی یانگ آته»، بازیگر سرشناس کرهای یا همان یانگوم، با خرید ماسک و سایر لوازم مورد نیاز مراقبت در برابر کرونا، این وسایل را در اختیار مردم قرار دادند.

امروز فکر می‌کنید اگر افرادی مثل استاد شجریان، استاد الهی‌قمش‌های، سیدمحمد خاتمی یا افرادی مانند دارپوش ارجمند، پرویز پرستویی، محمدرضا گلزار، مهران مدیری، رضا عطاران و نظایر آنها، کمپین کمک به هم‌نوعان راه‌اندازی کنند، چقدر پول جمع می‌شود و چه تأثیر خوبی بر کاهش آلام آسیب‌دیدگان از کرونا برجا می‌گذارد. نهادهای مدنی، سمن‌ها، مدیریت‌های شهری، شهرداری‌ها و هر کس که می‌تواند، باید پا پیش بگذارد. امروز روز دست‌گیری از هم‌نوعان است. شرایط برخی خانواده‌ها وخیم است. قدری کاهش طبقاتی هم معتمد است.

فرصت ماه رمضان را قدر بدانیم و برای کمک به شهروندان نیازمند پیشقدم شویم. این روزها خواهد گذشت، اما آتیهایی که دستشان می‌رسید و کاری نکردند، پیش وجدان خود شرمند خواهند شد. صداسوسیم در این ماه مبارک، به‌جای برنامه‌های تکراری و ساعت‌پرکن، به دنبال ایجاد انگیزه در توانگران باشد که پاری کنند تا مرهمی بر درد مستضعفان باشند. امثال ممدآقای سلمانی در شهرهای ما زیادند و چشم‌انتظار کمک هستند.

قصه‌های شهر

رو به جلو سربازا!

می‌کردند، فیلم آموزشی پخش می‌کردند و پیگیرانه دنبال فضاهای مجازی بودند که عزیزان بتوانند صوتی و تصویری در آن حضور پیدا کنند. البته یک بار صدا قطع می‌شد، یک بار سرعت ضعیف اینترنت معلم را از کلاس به بیرون شوت می‌کرد و گاهی هم شیفت بچه‌ها که بیشتر از معلمانشان از فضای مجازی سر درمی‌آوردند، کلاس را به هم می‌ریخت. مدارس دولتی اغلب به حضور در یک شبکه اجتماعی بسنده می‌کردند، درس‌هایی را که به نظرشان مهم‌تر می‌آمد، برنامه می‌ریختند و معلمان باوجدانی سعی می‌کردند با هر رفتار غریبی که شده به‌گونه‌ای از طریق این ماسک‌ها چند سانی، حس حضور و انضباط و کلاس را منتقل کنند و بچه‌ها را پای درس بنشانند (احتمالا بیشتر شما آن فابل صوتی حضور و غیاب آنلاین معلم شریفی را شنیده‌اید که گرچه برای گروهی خنده‌دار و برای گروهی نشان‌دهنده وجدان کاری آن دبیر بود؛ اما در مجموع نشاند داد که روش‌های ما برای نشان دادن بچه‌ها برای درس چقدر غریب و ناتوان است.

خوشمزه‌اش بخش امتحان‌گرفتن است؛ در شرایطی که هم بچه‌ها به کتاب دسترسی دارند و هم بلافاصله با یکدیگر گروه شورتوی تشکیل می‌دهند و جواب سؤال‌ها را تبادل می‌کنند. دل آدم کباب می‌شود برای آن دانش‌آموزانی که عمری بهشتن الفا کرده بودند فضیلت در کسب نمره و برنده‌شدن در مسابقه است! سراغ روستاها و شهرهای کوچک که می‌رویم، فیلم ترازیک‌تر می‌شود. خانواده‌هایی که کامپیوتر شخصی ندارند و از گوش‌های هوشمندی هم که دستشان است قابلیت بیشتری نمی‌شناسند، باید ساعاتی گوش‌ی را دست فرزندشان بدهند و نگران هزار پیام و فابل و کنجکاوی کودکان‌ده در داخل گوشی شخصی‌شان باشند یا حتی اگر هیچ‌کدام از اینها نباشد، فضای خانه آن‌قدر کوچک و پرسورصداست که فرزند نمی‌تواند یک ساعت با تمرکز به درسی که داده می‌شود توجه کند و ...این ماجرا همچنان ادامه دارد. اگر فکر می‌کنیم این یک شرایط خاص مربوط به دوران شیوع کروناست، سخت در اشتباهیم. ما (خانواده‌ها و مسئولان) فرزندانمان را آشنا به ارزش‌های گذشته و با شناخت دنیای امروز، برای ساختن آینده تربیت نمی‌کنیم. ما سنگ قبری از گذشته روی دوششان گذاشته‌ایم و فرمان می‌دهیم: رو به جلو سرباز!

دغدغه‌های طبیبانه-۲

سلامت بیماران بزرگ‌ترین اولویت پزشکان



عبدالرضا نام‌ر م‌قدسی متخصص مغز و اعصاب

● اولویت یک پزشک بسیار ساده است؛ حفظ جان آدمی به هر قیمتی که شده. درواقع در پزشکی نه نژاد، نه مذهب، نه عقیده و نه ثروت هیچ‌کدام در تلاش یک پزشک برای حفظ سلامتی بیماراش دخالتی ندارد. برای پزشکان و به‌طورکلی کادر درمان فقط حفظ سلامتی فرد مهم است. پزشک تمام تلاشش را می‌کند تا آنکه روی تخت بیمارستان خوابیده با سلامتی مرخص شود. شاید برای یک سیاست‌گذار این چنین نباشد. یک سیاست‌گذار در برخورد با جامعه خود موضوعات متفاوتی را لحاظ می‌کند. همین حالا نوعی درگیری بین توصیه‌های پزشکی و ملزومات اقتصادی را هم در کشور خودمان و هم در سایر کشورها مشاهده می‌کنیم. درحالی‌که کادر درمان و کارشناسان مربوطه به ادامه قرنطینه اصرار دارند، تعدادی از سیاست‌گذاران به افت اقتصادی جامعه توجه می‌کنند. تحلیل‌های راست‌گرایانه امثال فریدمن نیز حول همین محور می‌چرخد. اما کرونا در این بین یک حالت ویژه به وجود آورده است.

برای اولین‌بار حرف‌های کادر درمان دارد وارد ملزومات سیاسی می‌شود. البته وجود فضای مجازی و اطلاع‌رسانی‌های شدید خارج از معابر رسمی همه به ایجاد این وضعیت یاری رسانده



است. الان همه می‌دانند که ما فعلا درگیر کرونا هستیم. همه می‌دانند که باید از کرونا ترسید. همه مرگ‌ومیر ناشی از آن را دیده‌اند. بنابراین خواهان‌خواه اولویت، حفظ جان انسان‌ها می‌شود و از دولت‌ها این انتظار می‌رود که اقتصاد و سیاست ... را برای حفظ سلامت جامعه به کار ببرند. اما موضوع پزشکی و سیاست به اینجا ختم نمی‌شود. کادر درمان در همین برخورد با بیماران اولویت‌های دیگری را نیز مطرح می‌کنند؛ اولویت‌هایی که گرچه در نحوه برخورد آنها مستتر بوده و ممکن است به چشم نیاید، ولی این روزها اهمیت زیادی پیدا کرده است. در مقوله درمان نوعی باسداشت آزادی نهفته است. هیچ چیزی به‌جز جان آدمیان ارزشی ندارد. انسان در درگاه پزشکان آزاد است که هر اندیشه و سیاست و مذهبی داشته باشد. یکی از دغدغه‌های این‌روزهای متفکران چپ‌گرا تعدی به آزادی انسان‌ها به بهانه کروناست. قرنطینه که امروز تقاضای جامعه است می‌تواند فرصتی برای دولت‌ها برای اعمال محدودیت‌های بیشتر در زمان پاسکرونا باشد، به‌خصوص با توجه به این هشدار متخصصان که پاندمی فعلی به‌هیچ‌وجه آخرین پاندمی از این جنس نیست و از این پس نیز بیماری‌های ویروسی می‌توانند خطر بسیاری برای مردم ایجاد کنند. بنابراین دولت‌ها باید سرمایه‌گذاری خیلی بیشتری برای درمان انجام دهند. این کار مستلزم شناخت به‌موقع بیماران و جداسازی آنهاست. کاملا مشخص است که این کار چه محدودیت‌هایی را می‌تواند برای مردم در پی داشته باشد. چه محدودیت‌هایی می‌تواند اضافه شود؛ به‌طورمثال کاری که دولت چین انجام داد بسیار مورد تمجید قرار گرفت. اما از سوی دیگر اکنون مشخص شده که دولت چین دست به پنهان‌کاری زده و اطلاعات را به‌شدت دست‌کاری کرده است. خیلی از مقالاتی که در معتبرترین مجلات بین‌المللی از سوی چین چاپ شده اکنون مشخص شده که بدون انجام دآوری به چاپ رسیده است. درواقع مجلات معتبر برای انجام اطلاع‌رسانی سریع، روند دآوری مقالات را حذف کرده و جامعه علمی چین با استفاده از این فرصت که آزادی غربی در اختیار آنها گذاشته بود اطلاعات غلطی را به تمام دنیا فرستادند؛ موضوعی که به قول سنجوکی وزارت بهداشت، یک شوخی خف بود. نمی‌شود عملکرد دولت چین را جدا جدا تحلیل کرد. همه اینها یک ساختار منسجم را تشکیل می‌دهند که درنهایت نه‌تنها ناقض اصول آزادی بوده، بلکه با اینس اطلاعات غلط سایر شهروندان جهان را در معرض آسیب و خطر قرار داده است. این موضوعی است که باید به‌شدت مدنظر قرار گیرد. آزادی باید همه‌جانبه باشد. درست همانند همان آزادی‌ای که کادر درمان در برخورد با بیمارانشان در فشارها و تصمیم‌گیری‌هایشان اعمال می‌کنند. این آزادی که در نهایت به سلامت بیماران می‌انجامد، بزرگ‌ترین اولویت پزشکان است.